

## فرهنگ و ظرفیت جنایی

\*اکبر وروایی \*\*آراس غفاریان

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۹/۰۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۹/۲۸

### چکیده

این تحقیق تأثیر عامل فرهنگ را بر ظرفیت جنایی مورد بررسی قرار می‌دهد. آنچه از مفهوم ظرفیت جنایی برداشت می‌شود به نوعی قابلیت پیش‌بینی و برآورد کمی و کیفی پدیده‌ی جنایی در جامعه‌ی معین و در زمان معین است. این برداشت در قانون اشباع جنایی انریکوفری قابل استنباط است. از نظر وی در هر جامعه‌ی معین و در زمان معین براساس عوامل نامساعد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی حجم جرایم خاص واقع می‌شود. به عبارت دیگر عامل فرهنگ یکی از عوامل تعیین‌کننده‌ی ظرفیت جنایی می‌باشد. براین اساس هدف این تحقیق تعیین رابطه‌ی بین دو مفهوم فرهنگ و ظرفیت جنایی است. این تحقیق از لحاظ هدف پژوهشی جزء تحقیقات کاربردی است و از لحاظ شیوه‌ی جمع‌آوری داده‌ها به عنوان تحقیق اسنادی و از لحاظ شیوه‌ی تجزیه و تحلیل اطلاعات، بصورت تحلیلی و توصیفی است. براساس نتایج حاصل از تحقیق می‌توان به تأثیر نهادهای فرهنگی بر پدیده‌ی جنایی پی برد. براین اساس به عنوان پیشنهاد اصلی تحقیق باید تأکید نمود که با اصلاح کردن عوامل جرم‌زای فرهنگی و جامعه‌پذیر کردن افراد جامعه و ترویج ارزش‌ها و هنجارهای پذیرفته شده‌ی جامعه به وسیله‌ی نهادهای فرهنگی می‌توان در پایین آوردن ظرفیت جنایی جامعه دخیل بود.

**واژگان کلیدی:** ظرفیت جنایی، پدیده‌ی جنایی، نرخ جرم، ارزش‌های فرهنگی، هنجارهای فرهنگی، هم‌نوایی گروهی، نهادهای فرهنگی.

### مقدمه

انریکوفری در بهار سال ۱۸۷۹ از شورای آموزش عالی رم تقاضا کرد که برای وی اجازه‌نامه‌ی رسمی برای تدریس حقوق جزا و آیین دادرسی کیفری به عنوان مربی دانشگاه صادر کند. با تقاضای وی موافقت شد و بلافاصله بعد از انتصاب به سمت استادی دانشگاه،

\* دانشیار دانشگاه علوم انتظامی امین، نویسنده مسئول.  
\*\* کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات کرمانشاه، مسئول مکاتبات

سخنرانی افتتاحیه‌ی خود را تحت عنوان جایگزین‌های کیفری برگزار کرد. در سخنرانی مذکور بود که وی «قانون اشباع جنایی» معروف خود را تشریح کرد. قانون اشباع جنایی، بیان می‌کند که در هر جامعه‌ای میزان ارتکاب اعمال مجرمانه با فاکتورهای تعیین‌کننده محیط اجتماعی مشخص می‌شود و زمانی که عوامل مذکور دچار تغییر شوند، آن‌ها نیز تغییر می‌کنند؛ وی معتقد بود که «پدیده‌ی جنایی نظیر دیگر افعال انسانی معلول چندین عامل است که در اکثر مواقع به صورت شبکه‌ای جدایی‌ناپذیر در هم تنیده شده‌اند. با وجود این می‌توان آن‌ها را به منظور مطالعات تحقیقاتی از هم جدا کرد. عوامل به وجود آورنده پدیده‌ی جنایی عبارتند از عوامل خانوادگی، عوامل اجتماعی و عوامل جوی، جغرافیایی. عوامل خانوادگی عبارتند از جنسیت، سن، شغل، تأهل یا مجرد، محل سکونت، طبقه اجتماعی، سطح آموزش و سواد و ساختار جسمی و روانی. عوامل اجتماعی عبارتند از افزایش و یا کاهش جمعیت، مهاجرت، افکار عمومی، فرهنگ و مذاهب، ساختار خانواده، وضعیت اقتصادی و سیاسی. میزان تولید و توزیع محصولات کشاورزی و صنعتی، سطح امنیت عمومی، تحصیلات و رفاه عموم مردم و در نهایت وضعیت قانون‌گذاری کیفری و مدنی؛ عوامل جوی- جغرافیایی عبارتند از شرایط اقلیمی و جغرافیایی، تقسیمات زمین، تغییرات جغرافیایی، تغییر روز و فصول سال، فاکتورهای جوی، هواشناسی و درجه حرارت سالانه.»<sup>۱</sup> این تحقیق تاثیر عامل فرهنگ بر ظرفیت جنایی را مورد بررسی قرار می‌دهد.

### مفاهیم

#### ۳-۱- ظرفیت جنایی

ظرفیت در لغت به معنای گنجایش، بارگیر، وسع، استعداد و قوه آمده است.<sup>۲</sup> هم‌چنین در فرهنگ نفیسی ظرفیت به معنای قابلیت و مقدار گنجایش آمده است.<sup>۳</sup> اما ظرفیت جنایی<sup>۴</sup> در اصطلاح جرم‌شناسی مفهومی رایج است که صاحب‌نظران جرم‌شناسی با نگرش‌های مختلف به آن اشاره کرده و از ابعاد متفاوت آن تعریف ارائه کرده‌اند که به طور خلاصه به تعدادی از این تعاریف

<sup>۱</sup>. انریکو. فری، جرم‌شناسی اثبات‌گرا، ترجمه‌ی میر روح الله صدیق، ایلام: انتشارات رامان، چاپ اول، ۱۳۸۹، صص ۴۰-۴۱.

<sup>۲</sup>. علی اکبر. دهخدا، لغت‌نامه‌ی دهخدا، ناشر، مؤسسه‌ی لغت‌نامه‌ی دهخدا، جلد ۳۳، ۱۳۶۵، ص ۱۱.

<sup>۳</sup>. علی اکبر، نفیسی، فرهنگ نفیسی، تهران: انتشارات کتاب‌فروشی بهنام، جلد ۳، ۱۳۴۳، ص ۲۲۷۵.

<sup>۴</sup>. criminal capacity

پرداخته می‌شود. تعاریفی که مؤسسه‌ی جرم‌شناسی استرالیا از ظرفیت نموده است بدین شرح است:

۱- توانایی برخوردار بودن، جذب کردن، دریافت کردن و گرفتن؛

۲- کارکرد، اداره کردن، موقعیت یا نقش در یک عمل؛

۳- مقدار فضایی که می‌توان اشغال شود؛ اتاق برای نگهداری، محتوای مثلاً یک تانک با ظرفیت ۲۱ گالن و...؛

۴- صلاحیت حقوقی مانند سن که توانایی شخص را برای انجام اموری که نتایج حقوقی در بردارد را تعیین می‌کند. [مانند انعقاد قرارداد یا ازدواج نمودن] این همان چیزی است که اهلیت حقوقی می‌نامند؛

۵- توانایی ذهنی برای دریافت، درک و پیش‌بینی همه‌ی وقایع وابسته، گرفتن تصمیم عقلانی و درک ماهیت و تأثیرات از فعالیت‌های انجام شده.

در تعریف ظرفیت جنایی گفته شده توانایی ذهنی فرد در تمییز حق از ناصواب و مسوولیت شخص برای اعمال کیفری‌اش.<sup>۱</sup>

گاروفالو در تعریف ظرفیت جنایی می‌گوید: تعیین فساد ثابت و مؤثر بزهدکار و میزان شری است که از جانب او می‌توان با بیمناکی انتظار داشت، به عبارت دیگر تعیین ظرفیت جنایی او است.<sup>۲</sup>

اکثر تعاریفی که در برخی کتب حقوقی و جرم‌شناسی از ظرفیت جنایی مدنظر است به منزله‌ی توانایی و ظرفیت مسوولیت کیفری شخص برای اعمالش است. و البته ظرفیت جنایی مشروط بر شرایطی است که براساس آن شخص ظرفیت پاسخگویی به اعمال خود را دارد. دقیقاً مانند ظرفی که برای گنجایش مثلاً صد گالن آب نیاز به شرایطی مثلاً اندازه ۳۰×۲۰ دارد یا جنس فلز از آلیاژ مخصوصی می‌باشد تا توان گنجایش این حجم آب را داشته باشد. بر همین اساس، ظرفیت جنایی شخص برای پاسخگویی، داشتن سن بیش از ۱۵ یا ۱۸ سال است تا توانایی پاسخگویی به اعمالش را داشته باشد.<sup>۳</sup> اما مراد ما از ظرفیت جنایی در این تحقیق به معنای مسوولیت کیفری و آن چه مورد نظر جرم‌شناسی بالینی<sup>۴</sup> است، نیست بلکه پرداختن به ظرفیت جنایی با نگرش خاص

۱. محمد، حسنی، بررسی ظرفیت جنایی در جرم‌شناسی کاربردی و ارتباط آن با پیشگیری قبل از وقوع، سازمان قضایی نیروهای مسلح، نسخه الکترونیکی؛ ۱۳۹۲، [www.imj.ir](http://www.imj.ir)

۲. محسن، شیرسوار شهاوند، محسن، بررسی ظرفیت جنایی در جرم‌شناسی، به نقل از کی‌نیا، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات کرمانشاه، ۱۳۷۴

۳. محمد، حسنی، پیشین، ص ۶

۴. clinical criminology

و متفاوت است و آن برآورد نرخ احتمالی جرایم ارتكابی در جامعه‌ی آماری خاص در یک منطقه یا ناحیه‌ی جغرافیایی در زمان مشخص براساس اعلام نرخ بزهکاری برحسب اطلاعات مترکم و متنوع از آمارهای جنایی با در نظر گرفتن متغیرهای مشخص است. پس منظور ما از ظرفیت جنایی برآورد نرخ احتمالی جرم یک جامعه‌ی معین در آینده است.

### ۲-۳- فرهنگ

در لغت‌نامه‌ی دهخدا فرهنگ چنین تعریف می‌شود [مركب از (فر) که پیشاوند است و (هنگ) که از ریشه‌ی (سنگ) اوستایی به معنی کشیدن و فر هختن و فرهنگ هر دو مطابق است با ریشه‌ی ادوکا و ادو در لایتی که به معنی کشیدن و نیز به معنی تعلیم و تربیت است].<sup>۱</sup>

فرهنگ از لحاظ لغوی به معنای پدیده‌ی کلی و پیچیده‌ای از آداب، رسوم، اندیشه، هنر و شیوه‌ی زندگی است که در تجربه‌ی تاریخی اقوام شکل می‌گیرد.<sup>۲</sup>

ادوارد برنت تیلور<sup>۳</sup> انسان‌شناس برجسته‌ی انگلیسی در کتاب جوامع ابتدایی (۱۸۷۱ م) فرهنگ را چنین تعریف می‌کند: [فرهنگ مجموعه‌ی پیچیده‌ای است از معارف، معتقدات، هنرها، صنایع، تکنیک‌ها، اخلاق، قوانین، سنن و بالاخره تمام عادات و رفتار و ضوابطی است که انسان به عنوان عضو یک جامعه آن را از جامعه‌ی خود فرا می‌گیرد و در قبال آن جامعه تعهداتی به عهده دارد].<sup>۴</sup>

در دیدگاه بروس کوئن<sup>۵</sup> فرهنگ را می‌توان به عنوان مجموعه‌ی رفتارهای اکتسابی و ویژگی اعتقادی اعضای یک جامعه‌ی معین تعریف کرد.<sup>۶</sup>

<sup>۱</sup> . علی اکبر دهخدا، لغت‌نامه‌ی دهخدا، ناشر، مؤسسه‌ی لغت‌نامه‌ی دهخدا، جلد ۳۳، ص ۲۹۴.  
<sup>۲</sup> . حسن، انوری، فرهنگ بزرگ سخن، جلد ۶، چاپ ۱۳۸۰، ص ۵۳۴۶.

<sup>۳</sup> . Edward Burnett Tylor

<sup>۴</sup> . مسعود، جلالی مقدم، فرهنگ چیست، تهران: مؤسسه انتشارات امیر کبیر، چاپ اول، ص ۶۹.

<sup>۵</sup> . Bruce kohen

<sup>۶</sup> . کوئن، بروس. مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه و اقتباس غلام عباس توسلی، رضا فاضل تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی، دانشگاه‌ها، (سمت) مرکز تحقیق و توسعه‌ی علوم انسانی، چاپ بیست و چهارم، ۱۳۹۱، ص ۵۶.

پس می‌توان گفت فرهنگ از طریق دیگر انسان‌ها آموخته می‌شود و آموزش آن بر اثر روابط متقابل میان انسان‌ها صورت می‌گیرد. فرهنگ از طریق توارث منتقل نمی‌شود، و یک تولید اجتماعی است. فرهنگ مجموعه‌ای است که نسل به نسل انتقال می‌یابد، عناصر آن بر روی هم انباشته می‌شود و از محلی به محل دیگر انتشار می‌یابد.

### ۳-۳- نهاد‌های فرهنگی

نهاد را معمولاً بخش یا نظامی از ارزش‌ها، شیوه‌های قومی، آداب، رسوم و قوانین می‌دانند که نقش آن استقرار رفتارهای مناسب برای ایفای کارکردهای اساسی در یک جامعه است. بر این اساس در یک نهاد آن چه که اهمیت دارد سازمان‌دهی به رفتارها یا روش‌های انجام کارهایی است که در رابطه با نیازمندی‌های مهم مطرح می‌شود. به عبارت دیگر نهاد، نظامی به نسبت پایدار و سازمان یافته از الگوهای اجتماعی است که برخی از رفتارهای نظارت شده و یکسان را با هدف برآوردن نیازهای اساسی جامعه در برمی‌گیرد. دانشمندان علوم اجتماعی، فرهنگ را به تعدادی از نهادها تقسیم کرده‌اند. مشهورترین نهاد‌های اجتماعی عبارتند از: خانواده، آموزش و پرورش و رسانه‌های جمعی.<sup>۲</sup>

### ۴- تاثیر نهاد‌های فرهنگی بر ظرفیت جنایی

فرهنگ اکتسابی است و از طریق آموزش و تقلید کردن از دیگران، از نسلی به نسل دیگر و از فردی به فرد دیگر انتقال پیدا می‌کند و طبق نظر دانشمندان طرفدار نظریه‌های فشار، تضاد، یادگیری و تقلید علت اصلی اتفاق افتادن پدیده‌ی جنایی این است که جامعه از طریق یادگیری و تقلید دچار پدیده‌ی جنایی می‌شود. به این معنی که در نظریه‌ی فشار مردم در جامعه‌ی آمریکا، یاد گرفته‌اند که هدف فرهنگی آن جامعه ثروت است و برای رسیدن به این هدف، یاد گرفته‌اند که از ابزارهای مشروع استفاده کنند و در صورت فشار یا بی‌تفاوتی اشخاص نسبت به ابزارهای مشروع برای رسیدن به این هدف فرهنگی از ابزارهای نامشروع استفاده می‌کنند؛ همچنین در نظریه‌ی یادگیری و تقلید به نحوی مجرمان پدیده‌ی جنایی را از دیگران یاد می‌گیرند؛ و در نظریه‌ی تضاد خرده فرهنگ‌هایی که به افراد جامعه یا گروه‌ها، آموزش داده می‌شوند به نحوی در تعارض با فرهنگ عام می‌باشند.

<sup>۱</sup>. سید مرتضی، نوربخش، جامعه‌شناسی عمومی، تهران: انتشارات بهینه، چاپ سوم، ۱۳۸۷، ص ۱۶۳.

<sup>۲</sup>. کونن، بروس. پیشین، ص ۱۴۷.

<sup>۳</sup>. مسعود، جلالی مقدم، فرهنگ چیست، تهران: مؤسسه انتشارات امیر کبیر، چاپ اول، ۱۳۸۵، ص ۵۴.

عوامل جرم‌زا در این جهان هستی محدود به عوامل فردی یا بیولوژیک و عوامل روانی و عوامل محیطی و عوامل اجتماعی نمی‌شود.<sup>۱</sup> هر پدیده‌ی جنایی، از کوچکترین آن گرفته تا فجیع‌ترین پدیده‌ی جنایی، در نتیجه‌ی روابط و تأثیرات متقابل [عوامل اجتماعی، عوامل خانوادگی و عوامل جوی و جغرافیایی] به وجود می‌آید. تلاش برای جدا کردن تارهای این شبکه‌ی درهم تنیده شده بیهوده است.<sup>۲</sup> باتوجه به این گفته‌ها، می‌توان به نظریات دانشمندان مکاتب ذکر شده این ایراد را وارد ساخت که فقط یکی از این عوامل را در اتفاق افتادن پدیده‌ی جنایی اثرگذار می‌دانند و آن عامل فرهنگ است که با بر اثر فشار فرهنگی و یا تضاد فرهنگی و یا تقلید و یادگیری از فرهنگ، فرد دچار پدیده‌ی جنایی می‌شود. دانشمندان این مکاتب دیگر عوامل جرم‌زا را نادیده می‌گیرند. در واقع باید عامل فرهنگ را که بخشی از عوامل اجتماعی است مانند باد موافقی دانست که باعث شعله‌ورتر شدن آتش می‌شود. به عبارت دیگر باید عامل فرهنگ را در بیشتر مصمم کردن مجرم در اجرای پدیده‌ی جنایی دخیل دانست. درست نیست عوامل جرم‌زای دیگر را نادیده گرفت، درست آن است که مانند دکتر کی‌نیا با این مسئله برخورد کرد ایشان علاوه بر ذکر عوامل جرم‌زای فردی، روانی، محیطی و اجتماعی علت وقوع افتادن پدیده‌ی جنایی را در این عوامل هم محدود نکرده است.

#### ۴-۱- خانواده و ظرفیت جنایی

خانواده پایه‌ی اساسی جامعه و سلول سازنده‌ی زندگی و پناهگاه اعضای خویش است؛ پناهگاهی که نخستین تجربه‌ی انسان برای جامعه‌پذیری در آن صورت می‌گیرد. خانواده تأثیر فراوان و گسترده‌ای بر رفتار و کردار انسان‌ها دارد؛ زیرا از دوران شیرخوارگی شخصیت آن‌ها را شکل می‌دهد و در رشد و نمو آنان تأثیر مهمی دارد.<sup>۳</sup>

وليام گود<sup>۴</sup> معتقد است خانواده کانون و هسته‌ی اصلی تشکل اجتماعی و به عنوان یک سیستم کوچک اجتماعی است که زیربنای جامعه‌ی بزرگتری را فراهم می‌کند. شناخت سازمان و انگاره‌های خانواده می‌تواند به عنوان کلیدی برای شناخت رفتارهای فرد پرورش یافته در آن تلقی گردد، زیرا بدون تردید خانواده مهم‌ترین عامل پیدایش و تشکیل شخصیت فرد محسوب می‌شود.<sup>۵</sup>

<sup>۱</sup> مهدی، رکی‌نیا، میانبر جرم‌شناسی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ نهم، جلد اول، ۱۳۸۸

<sup>۲</sup> انریکو. فری، پیشین

<sup>۳</sup> هدایت الله، ستوده و سرابی، علی بقایی. جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، تهران: انتشارات ندای آریانا، چاپ اول، ۱۳۸۷، ص ۸۳.

<sup>۴</sup> William Good

<sup>۵</sup> علی رضا، محسنی تبریزی، رندالیسم، تهران: چاپ آثار، چاپ اول، ۱۳۸۳، ص ۶۸.

از آنجا که خانواده در سال‌های اولیه و تکوین شخصیت طفل مراقبت او را به عهده دارد، در جریان جامعه‌پذیری دارای تأثیری قاطع است.<sup>۱</sup> از نظر صاحب‌نظران مکتب کارکردگرایی، خانواده نهادی است که بقای آن وابسته به وظایف و کارکردهایی است که بر عهده دارد. براساس این دیدگاه مهم‌ترین وظیفه و کارکرد خانواده، اجتماعی کردن اولی‌های افراد و آماده کردن آنان برای پذیرش قواعد زندگی اجتماعی است.<sup>۲</sup>

جرم‌شناسان، محیط اجتماعی را براساس تأثیر اراده در انتخاب آن و یا فقدان اراده و عوامل دیگر به گونه‌هایی تقسیم کرده‌اند. خانواده در آن تقسیمات، نخستین محیط اجتناب‌ناپذیر یا حتمی است که اراده‌ی کودک در انتخاب آن تأثیر نداشته است. خانواده محیطی است که طفل به ناچار در آنجا چشم به دنیا گشوده و در آنجا رشد خود را آغاز کرده است. خانواده با کودک از هنگام ولادت تا سالیانی چند در تماس تقریباً انحصاری است. در این دوران، کودک موجودی است کاملاً وابسته به خانواده و بسیار نرم که هنوز شخصیت او تکوین نیافته و آماده‌ی شکل‌پذیری است. لوح ضمیر کودک چون آینه شفاف است که هرگونه نقش نیک و بد در خود می‌پذیرد، می‌توان او را راست یا کج، شجاع یا ترسو، صریح‌اللهجه یا مجامله‌کار، پرهیزکار یا تبه‌کار، مرد زندگی یا ضد اجتماعی، سعید یا شقی بار آورد. خانواده در طی سال‌های نخستین حیات کودک، بر اثر تماس نزدیک و دایمی با او، نقش بسیار قابل ملاحظه در سازندگی شخصیت و سلوک وی دارد و در حقیقت عامل تعیین‌کننده‌ی سرنوشت است.<sup>۳</sup> بی‌گمان به همین دلیل است که ابواب تحقیقات متعدد و مطالعات عمیقی بر پایه‌ی جرم‌شناسی در طی سده‌ی بیستم به خصوص در حدود سال‌های ۱۹۳۵ درباره‌ی روابط موجود بین پدیده‌ی جنایی از یک سو و اوضاع گوناگون خانوادگی و طرق تربیت کودکان از دیگر سو گشوده شد. دنیای کنونی به قدری به اهمیت ناشناخته‌ی نقش خانواده در تأمین سعادت یا شقاوت اجتماع پی برده است که یکبارگی محور علوم روانشناسی، آموزش و پرورش و روان‌کاوی متوجه کودک گردیده است و همگی خود را در خدمت خانواده‌ها درآورده‌اند تا با تربیت نیکو و پرورش سجایای عالی در کودک و تأمین زندگی مرفه و منزه برای او و جلوگیری از ایجاد عقده‌های مزاحم موجب تمایل وی به صلاح و تقوا و انحراف از تبه‌کاری گردند. اگر خانواده به نحو مؤثری در تربیت نیکوی فرزندان خود همت گمارد، موجبی برای بزه‌کاری و سیسروزی آنان در آینده باقی نخواهد ماند. متأسفانه بسیاری از

۱. روسک، جوزف. و وارن، رولند. مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی بهروز نبوی و احمد کریمی، تهران: چاپ میهن، ۱۳۵۰، ص ۱۵۲.

۲. تقی، آزاد ارمکی، جامعه‌شناسی خانواده‌ی ایرانی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی، دانشگاه‌ها، سمت، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، چاپ سوم، ۱۳۹۰، ص ۲۷.

۳. مهدی، کی‌نیا، پیشین، ۳۰۶.

خانواده‌ها در پرورش کودک معرفتی نیندوخته‌اند و یا اگر تحصیلاتی در این زمینه دارند از آن سود نمی‌جویند و مصداق عالم بی‌عمل می‌باشند.<sup>۱</sup>

تحقیقات پروفیسور هویه<sup>۲</sup> نشان می‌دهد که قریب ۹۰-۸۰ درصد کودکان منحرف و مجرم متعلق به خانواده‌هایی هستند که وضعی مغشوش و نابسامان داشته و یا شیرازی آن از هم گسیخته بود.<sup>۳</sup>

اثرات روانی محیط متشنج خانوادگی در دوران اولیه‌ی طفولیت و دوران بلوغ با انواع اختلالات و بیماری‌های روانی ظاهر می‌گردد. نفاق، ناسازگاری و مشاجره‌ی دائمی پدر و مادر و اطرافیان، آثار شومی در روان طفل باقی می‌گذارد. طفل به علت عدم آرامش روانی، به تحصیل و کار خود بی‌علاقه شده دائماً مضطرب و پریشان است و ثبات ندارد؛ [این کودکان دارای ظرفیت جنایی بالایی در آینده خواهند بود؛ به عبارت دیگر] آثار این ناراحتی‌ها بعداً در سنین بلوغ و بزرگسالی به صورت عصیان، پرخاشگری، سرکشی از قوانین و مقررات اجتماعی و یا بی‌تفاوتی و انزوا و گوشه‌نشینی ظاهر و منجر به ارتکاب جرایم مختلف می‌گردد.<sup>۴</sup> استادان و پژوهشگران آمریکایی و اروپایی که آثار منیف و معروف آنان را در پیش رو داریم همگی در این نکته اتفاق نظر دارند که تعارض بین اعضای خانواده به وحدت و یگانگی آنان لطمه می‌زند. شدت تعارض موجب بروز نفاق و پرخاش گری و ستیز مجویی و سرانجام سبب انحلال و زوال خانواده می‌گردد. دکتر اتین دوگریف استاد فقید مدرسه‌ی علوم جنایی لوون در جلد اول مقدمه‌ای که بر جرم‌شناسی نوشت به بحث درباره‌ی تأثیر محیط خانواده در رفتار و کردار فرد پرداخت. وی این نظر را تأیید کرد که کانون خانواده‌ای که بر اثر تعارض و نفاق و افتراق پدر و مادر یا ناسازگاری آنان آشفته است آثاری در وجدان کودک می‌گذارد که چندین سال بعد به صورت عصیان جوانی و سرکشی از مقررات اجتماعی بروز می‌کند. وجدان اخلاقی هرکس مرهون طرز زندگی شخص در کودکی و رفتار پدر و مادر و برادران و خواهران و سایر اطرافیان در آن دوران است بررسی تبهکاری کودکان ثابت کرده است که نفاق و تعارض و ستیز مجویی میان پدر و مادر در بروز آن نقش عمده‌ای داشته و عامل مهمی بوده است.<sup>۵</sup>

<sup>۱</sup>. همان، ص ۶۰۴.

<sup>۲</sup>. Heuyer

<sup>۳</sup>. علی، قایمی، آسیب‌ها و عوارض اجتماعی، تهران: انتشارات امیری، چاپ دوم، ۱۳۶۶، ص ۱۴۳.

<sup>۴</sup>. تاج زمان. دانش، مجرم کیست و جرم‌شناسی چیست، تهران: انتشارات کیهان، چاپ اول، ۱۳۶۶، ص ۲۳۸.

<sup>۵</sup>. دی گریف، به نقل از کی‌نیا، جلد دوم، ۱۳۸۸، ص ۶۰۶.



بررسی روانشناسی راجع به بی‌تفاوتی عاطفی تبهکاران از تحقیقات دانشمند فقید بلژیکی دکتر اتین دوگریف درباره‌ی تبهکاران با سابقه که دست به تکرار جرم زده‌اند و کسانی که نتوانسته‌اند وضع خود را با جامعه منطبق سازند و دزدان آغاز گردیده است. طبق تحقیق این دانشمند واکنش این قبیل تبهکاران نه فقط ثمره‌ی خودبینی آن‌ها بوده بلکه بی‌تفاوتی عاطفی آن‌ها نقش مهمی داشته است. این دانشمند پس از تجزیه و تحلیل حس اخلاقی به این نتیجه می‌رسد: چه بسیارند از مجرمان که در آن‌ها تشخیص خیر از شر و معروف از منکر قوی است ولی به علت این که فاقد عواطف اخلاقی هستند دست به تبهکاری می‌زنند.<sup>۱</sup>

کودکی که از مهر و مراقبت کافی برخوردار نشود، احساس بی‌کسی و ناامنی می‌کند و چه بسا که برای جبران دغدغه‌ی خود، با جامعه در می‌افتد. تحقیقات متعدد به اثبات رسانیده‌اند که میان فرزندان خانواده‌ها، آنان که از لحاظ علاقه و توجه مادر یا پدر کمبود دارند، [دارای ظرفیت جنایی بالایی هستند و] به بزه کاری می‌گیرند و بسیاری از کسانی که در کودکی محبت و مراقبت کافی ندیده‌اند، در پرورش فرزندان خود به حد افراط سخت‌گیر و خشن می‌شوند. بدیهی است که افراط در نوازش و نگهداری کودک هم او را به لوسی و خودپسندی و تزلزل شخصیت می‌کشاند.<sup>۲</sup>

اختلالات عاطفی سبب بروز اختلال منش و انواع انحرافات گشته و در چندین نسل اثر می‌گذارد. طفلی که از محبت خانوادگی محروم است خود را از خانواده و اجتماع طرد شده و منزوی تلقی می‌کند و همواره در صدد انتقام‌جویی است و پس از ارتکاب اعمالی برخلاف قوانین و مقررات، آداب و رسوم اجتماعی قلباً احساس شغف و رضایت‌مندی می‌کند. احتیاج به محبت، محدود به زمان خاص در دوره‌ی طفولیت نیست باتوجه به عرف و سنت، اطفال و جوانان در هر زمان، به نوعی محبت و عطوفت نیاز دارند [تا دارای ظرفیت جنایی پایینی باشند]. با این که پایه‌ی عاطفی و احساس بشر دوستی و علاقه به هم‌نوع، در دوره‌ی طفولیت گذاشته می‌شود ولی افراد در دوره‌ی بلوغ نیز احتیاج به عاطفه، محبت، هدایت و حمایت دارند. در صورت کمبود محبت و محرومیت از عواطف انسانی، عصیانگر و پرخاشگر شده و به طرف ارتکاب جرائم سوق داده می‌شوند.<sup>۳</sup>

روانشناسان و روانکوان برای روابط مادر و فرزند اهمیت بسیار قایل‌اند و می‌گویند: مهم‌ترین عامل بزه کاری جوانان محرومیت از داشتن مادر است؛ در پژوهشی که توسط رابرت اندری<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup>. همان، ص ۶۱۱

<sup>۲</sup>. آگ برن و نیم کوف. (۱۳۸۸). زمینه‌ی جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی امیر حسین آریان پور، تهران: نشر گستره، چاپ دوم، ص ۳۸۱.

<sup>۳</sup>. به نقل از دانش، ۱۳۶۶، ص ۲۳۸ و ۲۳۹. ۱۹۸۰. stancin.v.v.

<sup>۴</sup>. R.andry

(۱۹۶۰) به عمل آمده نکته‌ی جالب این است که روابط پسر با پدرش نیز به همان اندازه در شخصیت او مهم است. این پژوهشگر در مطالعات خود درباره‌ی هشتاد بز هکار نوجوان به این نتیجه رسیده است که کودک در حال رشد با وجود برخورداری از محبت مادر انتظار دارد که از جانب پدر نیز به همان اندازه محبت ببیند. کودکی که پدر خود را سال‌های متمادی با نظر منفی می‌نگرد ممکن است به تدریج نه تنها نسبت به او احساس دشمنی کند؛ بلکه این امکان نیز هست که بعدها دشمنی او به جامعه تعمیم یابد.<sup>۱</sup>

روانکاوای منبع بی‌تفاوتی عاطفی [از مؤلفه‌های ظرفیت جنایی] را مربوط به جراحات مهم عاطفی دوران کودکی دانسته و توجه خود را بدان معطوف داشته است و افراد بی‌مهر و عاطفه در نظر آنان کسانی هستند که از کودکی محبت نچشیده و عواطف آنان جریحه‌دار شده است.<sup>۲</sup>

اگر پدیده‌ی جنایی را عدم انطباق یا ناسازگاری با جامعه تلقی کنیم جا دارد نازپروردگی را یکی از عوامل خطرناک جرم‌زا بشناسیم زیرا کودکان نازپرورده هرگز نیاموخته‌اند چگونه باید خود را با محیط تطبیق دهند بر اثر محبت مفرط پدران و مادران این نکته‌ی ذهنی آنان شده که محیط باید خود را با وضع آنان تطبیق دهد. اگر آنان با پدران یا مادران نمی‌ساختند مادران و پدران با آنها می‌ساختند و در برابر خواسته‌های آنان سر تسلیم فرود می‌آوردند. طبیعی است که در بزرگسالی، این‌گونه افراد سرسازش با جامعه نخواهند داشت [و دارای ظرفیت جنایی بالایی هستند]؛ زیرا سازگاری را فرا نگرفته‌اند. کودکان نازپرورده‌ی امروز، افراد کج‌خلق، عصبانی، کینه‌جو، عجول، پرتوقع، خودخواه، وسواسی، بی‌حال، تنبل، بی‌کار، طفیلی، حسود، ترسو، خجالتی، درون‌گرا، ناامید، ناکام، کینه‌توز، استیلاء‌طلب، جاه‌طلب، بی‌وجدان و جنایت‌کار خطرناک فرادیند.<sup>۳</sup>

تغییراتی که در اوضاع و شرایط خانوادگی بر اثر مرگ والدین یا یکی از آن دو، طلاق و ترک خانواده پدید می‌آید تأثیری عظیم و عمیق در بزه کاری کودکان آن خانواده‌ی از هم پاشیده دارد. حتی اجتماعی که به مکتب نرفته‌اند و خط نوشته‌اند نیز بر این عقیده‌اند که نابسامانی خانواده تأثیر شوم خود را نصیب فرزندان خویش می‌سازد. کما این که یک ضرب‌المثل قبیله‌ای<sup>۴</sup> در آفریقای جنوبی می‌گوید: (اگر پرندگی پیر بمیرد، تخم‌هایی که گذارده است می‌گندد.) این پندار چندان دور از حقیقت نیست؛ زیرا پژوهش‌ها نشان می‌دهد که ۳۰ تا ۶۰ درصد بز هکاران متعلق به خانواده از هم پاشیده است و به این ترتیب می‌توان گفت که به طور متوسط ۴۰ درصد از بزه کاری ثمره‌ی تلخ از هم پاشیدگی خانواده‌ها است. بررسی دقیق علمی تأثیر از هم پاشیدگی خانواده‌ها خیلی دیر آغاز گردیده است. اگرچه دانش جرم‌شناسی بسیار جوان است باید اذعان کرد

<sup>۱</sup>. کوآراکیوس، ترجمه‌ی نجفی زند، ص ۳۲ به نقل از ستوده، ۱۳۸۹، ص ۵۱.

<sup>۲</sup>. مهدی کی‌نیا، پیشین، ص ۶۱۵

<sup>۳</sup>. همان، صص ۲۰۴ و ۲۰۵

<sup>۴</sup>. ama-xosa

این‌گونه پژوهش و ارزیابی کیفی و کمی تأثیر پاشیدگی کانون خانواده مدت‌ها پس از تکوین جرم‌شناسی به مفهوم علمی کلمه مورد عنایت روانشناسان و بزه‌شناسان و محققان جامعه‌شناسی قرار گرفته است.<sup>۱</sup>

اثر طلاق بر روی فرزندان متعلق به کانون از هم پاشیده بسیار شدید است. عَده‌ای غیرقابل تحمل و توأم با نفرت در آنان به وجود می‌آورد که شدیدتر از وضع یتیمی است.<sup>۲</sup> طلاق و جدایی بین پدر و مادر سبب اضطراب و نگرانی و تشویش خاطر فرزندان آن‌ها می‌گردد و در موقع جدایی پدر و مادر نمی‌توان دقیقاً تعیین کرد که طفل به کدامیک از آنان بیشتر انس داشته و علاقمند است در اثر محرومیت از دیدار پدر یا مادر، اطفال احساس فقدان و رنج‌آوری می‌کنند که عکس‌العمل ناراحتی‌های روانی مذکور بعداً به صورت عصبانیت، بداخلاقی، تمرد از اوامر پدر، مادر و دیگران و بالاخره ناسازگاری عدم انطباق اجتماعی خواهد بود.<sup>۳</sup>

طبق تحقیقاتی که سابو<sup>۴</sup> به عمل آورده است بین ازدیاد پدیده‌ی جنایی و ازدیاد طلاق نسبت مستقیم وجود دارد. به بیان دیگر طلاق یک ضریب مثبت و عامل بسیار قوی برای ازدیاد ظرفیت جنایی است. بنیامین<sup>۵</sup> یک نقشه‌ی جغرافیایی برحسب فراوانی طلاق ترسیم کرد و نقشه‌ی دیگری برحسب برحسب فراوانی جنایات علیه اموال تنظیم کرد و سپس به مقایسه‌ی آن دو پرداخت و به وجود همبستگی بین این دو نوع واقعه یعنی تناسب بین فراوانی طلاق و جنایات علیه اموال پی برد و ثابت کرد که بین این دو پدیده تناسب مستقیم وجود دارد.<sup>۶</sup> کودکان خانواده‌های تک‌والدی در مقایسه با کودکان خانواده‌های کامل ۳ برابر بیشتر صاحب فرزندان نامشروع می‌شوند، ۲ برابر بیشتر ترک تحصیل می‌کنند.<sup>۷</sup> استفانی<sup>۸</sup> و دیگر استادان همکار آن دانشمند نامی، در کتاب درسی خود مرقوم داشته‌اند درباره‌ی تأثیر از هم پاشیدگی خانواده، خواه بر اثر طلاق یا جدایی موقت بر اثر ناسازگاری آشکار در فرانسه تحقیقاتی به عمل آمده است... آمار بعضی نشان می‌دهد که ۹۰ درصد بزه‌کاران جوان ۱۴ تا ۲۵ ساله از میان خانواده‌های از هم پاشیده برخاسته‌اند ولی دیگران فقط تا ۶۰ درصد بزه‌کاران را از این دسته تشخیص داده‌اند.<sup>۹</sup> با وجود این اختلافات به صورت

۱. همان، صص ۷۲۹ و ۷۳۰

۲. همان، ص ۷۸۸

۳. دانش، تاج زمان، پیشین ص ۲۴۱

۴. Szabo

۵. Benjamin

۶. مهدی‌کی‌نیا، پیشین، ص ۷۹۳

۷. نیت، ویلیام جی. (بهار ۱۳۸۱). شاخص‌های فرهنگی در ایالات متحده‌ی آمریکا در پایان قرن بیستم، ترجمه‌ی فاطمه فراهانی تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، ص ۷۳، چاپ اول، ص ۷۳.

۸. Stefani

۹. استفانی ات کول، به نقل از کی‌نیا، ۱۳۸۸، ص ۷۹۴.

قاطع می‌توان گفت از هم پاشیدگی خانوادگی می‌تواند در ظرفیت جنایی مؤثر باشد و هر چقدر خانواده‌های از هم پاشیده در جامعه بیشتر باشند به طبع آن ظرفیت جنایی در جامعه بالا می‌رود. ورنه<sup>۱</sup> در مقاله‌ای یادآور شد که ۸۰ درصد محکومان پیشینه‌دار، کانون خانوادگی والدین خود را از هم پاشیده یافته بودند. بنابراین ناسازگاری خانواده در میان بزهکاران بزرگسال با سوء پیشینه، نسبت به سایر بزهکاران بزرگسال بیشتر است.<sup>۲</sup>

#### ۴-۲- نهاد فرهنگی آموزش و پرورش و ظرفیت جنایی

مفهوم آموزش و پرورش غالباً به نهاد اجتماعی خاص اطلاق می‌شود که به کلیت نظام آموزش و پرورش و مؤسسات آن یا شکل‌ها و مراحل آموزشی شامل آموزش و پرورش ابتدایی، متوسطه‌ی فنی و حرفه‌ای و ... دلالت دارد. در معنی وسیع‌تر آموزش و پرورش، ساز و کار رسمی جامعه برای حفظ و انتقال فرهنگ است. در این مفهوم آموزش فراگردی است که به واسطه‌ی آن مجموعه اعتقادات، ارزش‌ها، هنجارها، دانش‌ها و مهارت‌های جامعه به نسل جدید منتقل می‌گردد.<sup>۳</sup> طبق [این] تعریف آموزش و پرورش فرایند منظم و مستمری است که هدف آن هدایت رشد جسمانی و روانی یا به طور کلی هدایت رشد همه‌جانبه‌ی شخصیت پرورش‌یابندگان در جهت کسب و درک معارف بشری و هنجارهای مورد پذیرش جامعه و نیز کمک به شکوفا شدن استعدادهای آنان است.<sup>۴</sup> به بیان دیگر هدف اصلی آموزش و پرورش، پایین آوردن ظرفیت جنایی فردای جامعه با آموزش و تربیت کودکان امروز می‌باشد. درباره‌ی اهمیت آموزش و پرورش، خاتمی می‌گوید اگر ما در جست‌وجوی جامعه‌ی مدنی هستیم، جامعه‌ی مدنی ابتدا در خانه و آنگاه در آموزش و پرورش شکل می‌گیرد و خانه نیز خود متأثر از آموزش و پرورش است، چراکه پدر و مادر، خود پرورده‌ی آموزش و پرورش هستند. بنابراین گزاره نیست که بگویم اگر ما بخواهیم به یک جامعه‌ی مدنی متعادل و انسانی برسیم، اول و آخر کار این است که به آموزش و پرورش بپردازیم.<sup>۵</sup>

[کار] آموزش و پرورش در گذشته بر عهده‌ی خانواده بود اما در عصر جدید به میزان زیادی این مسوولیت دگرگون شده و از خانواده به جامعه منتقل گردید. در اوایل قرن ۱۹ دانشمندان و نویسندگان معتقد بودند که برای پیشگیری از ارتکاب پدیده‌ی جنایی و انحرافات، بایستی آموزش و پرورش همگانی شود. تحت تأثیر افکار و عقاید مذکور، قوانین تعلیمات اجباری در بسیاری از

<sup>۱</sup>. R.p.Vernet

<sup>۲</sup>. مهدی‌کی‌نیا، پیشین، ص ۲۲۴

<sup>۳</sup>. علاقه‌بند، به نقل از جهانیان ۱۳۸۷، ص ۱۹۷.

<sup>۴</sup>. محمد، خاتمی، آموزش و پرورش؛ اصلاح ساختارها، تغییر نگرش‌ها، تهران، موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران، ۱۳۸۳، ص ۲۹

<sup>۵</sup>. همان، ص ۲۹.

کشورها تصویب و با فعالیت چشمگیر مبارزه با بی‌سوادی آغاز گردید.<sup>۱</sup> براساس دیدگاه این دانشمندان، آموزش و پرورش می‌تواند در جهت پایین آوردن ظرفیت جنایی جامعه بدون دخالت دستگاه قضا عمل کند.

آموزش سراسری و رایگان، فرصت‌های مساوی برای زنان و مردان به وجود می‌آورد تا با رشد و توسعه‌ی فردی، رشد اجتماعی هم حاصل آید.<sup>۲</sup> ویکتور هوگو<sup>۳</sup> نویسنده‌ی فرانسوی در تأیید تأثیر آموزش و پرورش در اصلاح و تربیت افراد می‌نویسد: (یک مدرسه باز کنید تا در یک زندان بسته شود.) با گذشت زمان نظریه‌ی مذکور با چنان تعصب پذیرفته نگردید زیرا در قرن بیستم که روش آموزش و پرورش تغییر کلی یافته و برای تعمیم مبارزه با بی‌سوادی، اقدامات مهمی انجام گرفته است اما باسواد شدن افراد سبب کاهش بزه کاری نگردیده و برعکس روزبه‌روز بر تعداد بزه‌کاران (اعم از بزرگسالان و جوانان و اطفال) افزوده می‌گردد. لمبروزو و انریکوفری معتقد بودند که با آموزش و پرورش و سوادآموزی وقوع پدیده‌ی جنایی به کلی از بین نمی‌رود بلکه نوع و کیفیت ارتکاب جرم تغییر می‌یابد. اشخاص باسواد کمتر از افراد بی‌سواد مرتکب ضرب و جرح شده و غالباً جرایم فکری که توأم با حيله و تزویر و مکر است از قبیل جعل، کلاهبرداری و خیانت در امانت و ... را مرتکب می‌شوند.<sup>۴</sup>

امروزه وجود آموزش و پرورش باعث کمتر شدن افراد بی‌سواد شده است. تحصیلات ظرفیت جنایی جرایم فیزیکی را کاهش داده است اما در خصوص جرایمی که با مکر و حيله انجام می‌گیرند بالعکس عمل کرده و باعث ازدیاد اینگونه جرایم شده است.

باید اذعان داشت که امروزه، به واسطه‌ی سیاست‌مزدی و رقابت بازارکار، نظام‌های آموزشی بسیاری از کشورها از نیروی انسانی پسمانده‌ی بازارکار برای آموزش و پرورش نوباوگان بهره‌برداری می‌کنند. چنین افرادی کمتر به گروه‌های مرفه جامعه تعلق دارند و پیش از این که به استخدام آموزش و پرورش درآیند به بسیاری از مراکز استخدامی مراجعه کرده جواب رد شنیده‌اند و بالاخره برخلاف میل خویش، از فرط اضطرار، به آموزش و پرورش روی آورده‌اند. این افراد پیش از این که مسوولیتی را برعهده بگیرند با انواع ناراحتی‌ها آشنایی پیدا کرده‌اند.

<sup>۱</sup>. تاج زمان. دانش، پیشین، ص ۲۶۱

<sup>۲</sup>. احمد، بخارایی، جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور، ۱۳۹۱، ص ۸۹

<sup>۳</sup>. Victor hugo

<sup>۴</sup>. تاج زمان. دانش، پیشین، ص ۲۶۱

بدین سان نظام آموزشی به مرکز تجمع عده‌ای از تحصیل کرده‌های ناراضی تبدیل می‌شود و چه بسا که در جریان تعلیم، این نوع نارضایی بدبینی از معلمان به دانش‌آموزان انتقال می‌یابد.<sup>۱</sup>

معمولاً مسئولان آموزشگاه در محیط تربیتی چنان شرایطی را فراهم می‌آورند که به پدید آمدن انواع افسردگی‌ها و عقده‌های گوناگون کمک می‌کند. کودکی که به طور مداوم در فعالیت‌های آموزشگاهی شکست می‌خورد و پیوسته مورد ملامت و سرزنش مسئولان آموزشگاه و اولیای خویش قرار می‌گیرد لاجرم می‌کوشد به نحوی این شکست و عدم موفقیت را جبران کند، از جمله با رفتار ضد اجتماعی توجه مردم را به خود و شرایط نامناسب جلب می‌کند.<sup>۲</sup>

وقتی دانش‌آموزی خود را مخالف با نظام مدرسه می‌بیند و برچسب خرابکاری می‌خورد و نمی‌تواند از طریق معیارهای پذیرفته شده به موفقیت برسد؛ به ناچار ناکام می‌شود. این ناکامی ممکن است با فرار از مدرسه، خرابکاری و انتقام‌گیری از معلمان و دیگر دانش‌آموزان همراه گردد. آیین دانش‌آموزان دارای ظرفیت جنایی بالایی هستند. ویلیام ساندرز<sup>۳</sup> می‌گوید: مدارس آماج بدترین نوع وندالیسم (خرابکاری) است. فعالیتی که طی آن اموال مدرسه با انگیزه‌های شرارتی تخریب می‌گردد. جوان خرابکاری خود را در نتیجه‌ی دوست نداشتن مدرسه و تنفر از معلمان و اولیای مدرسه می‌داند.<sup>۴</sup>

دانش‌آموزی که در مدرسه همه‌ی راه‌های پیشرفت را به روی خود مسدود می‌بیند و از ارضای نیازهای عاطفی، روانی و مادی خود باز می‌ماند، سعی می‌کند که با اتخاذ روش‌ها و شیوه‌های مختلف به تحریک دیگران یا حمله به آن‌ها بپردازد و یا با خرابکاری، غارتگری و تباه کردن اموال دیگران به یک احساس رضایت موقت دسترسی پیدا کند.<sup>۵</sup> عدم مراقب در معاشرت و رفتار اطفال و جوانان در محیط مدرسه، در فاصله‌ی بین خانه و مدرسه غالباً منجر به غیبت آنان از محیط تحصیلی می‌شود. غیبت ممکن است به طور اتفاقی از قبیل حاضر نکردن درس، تماشای صحنه‌ای در سر راه مدرسه یا برخورد با دوستان و ... و یا تکراری باشد مراقبت در غیبت و تأخیر ورود دانش‌آموزان و عادت دادن آنان به نظم در محیط مدرسه یک نوع آموزش اجرای مقررات و قوانین در محیط اجتماعی است. دانش‌آموزانی که غیبت مکرر داشته و سر کلاس درس مرتب حاضر نمی‌شوند در مظان ارتکاب جرائم مختلف قرار دارند.<sup>۶</sup> وجود دانش‌آموزان

<sup>۱</sup>. داور، شیخاوندی، جامعه‌شناسی و انحرافات و مسایل جامعی ایران، تهران: نشر قطره، ص ۳۷۸

<sup>۲</sup>. همان، ص ۳۷۲.

<sup>۳</sup>. بینوم، به نقل از ستوده، ۱۳۸۷، ص ۱۶۰.

<sup>۴</sup>. William Saunders

<sup>۵</sup>. سولیوان، به نقل از پیشین، ص ۱۶۰.

<sup>۶</sup>. همان، ص ۱۶۱.

<sup>۷</sup>. تاج زمان. دانش، پیشین، ص ۲۶۴.

ناهنجار در مدارس و عدم امکان کنترل آن‌ها موجب می‌شود که ناهنجاری همانند یک بیماری مسری به دیگر دانش‌آموزان نیز سرایت کند. به ویژه، در عصر ما، باتوجه به نیازمندی‌های جوانان به تفریح، تفرج و صرف انرژی جوانی و باتوجه به این که عده‌ای از سودجویان برون از آموزشگاه نیز از طریق تبلیغ و تشویق، این امر را تشدید می‌کنند، لذا وجود دانش‌آموزان ناهنجار بسیاری از نوجوانان، به ویژه دختران و خانواده‌های آن‌ها را با اندیشناکی مواجه می‌سازد.<sup>۱</sup>

ناسازگاری با مدرسه عامل رفتارهای ضد اجتماعی بعدی می‌شود [و ظرفیت جنایت را در دانش‌آموزان بالا می‌برد]، زیرا شکست‌های تحصیلی راه‌های خروج از تنگناها را می‌بندند، نومی‌دی با خود به همراه دارد، گاه آدمی را به طغیان و او را بیشتر در معرض حوادث بیکاری و سایر عوامل جرم‌زا که جنبه‌ی اقتصادی دارند، قرار می‌دهد. افزون بر این، ناسازگاری تحصیلی اغلب این عیب را دارد که نوجوان مخصوصاً بزهرکاران آینده را به جای شرکت در کلاس درس به بازی و می‌دارد. در این صورت دانش‌آموز نوجوان به زندگی برخلاف قاعده و گریز از هنجارهای عادی در رفتار، عادت می‌کند به قسمی که فقدان تربیتی همراه با یادگیری غیر اجتماعی شدن است.<sup>۲</sup>

#### ۳-۴- نهاد فرهنگی وسایل ارتباط جمعی و ظرفیت جنایی

در جهان امروز، وسایل ارتباط جمعی، مطبوعات، رادیو، سینما، تلویزیون، [اینترنت] با انتقال اطلاعات و معلومات جدید و مبادله‌ی افکار و عقاید عمومی، در راه پیشرفت فرهنگ و تمدن بشری نقش بزرگی به عهده گرفته‌اند. به طوری که بسیاری از دانشمندان، عصر کنونی زندگی انسان را عصر ارتباطات نام گذاشته‌اند.<sup>۳</sup>

ارتباطات عبارت است از فن انتقال اطلاعات، افکار و رفتارهای انسانی از یک شخص به شخص دیگر. به طور کلی هر فرد برای ایجاد ارتباط با دیگران و انتقال پیام‌های خود به ایشان از وسایل مختلف [ذکر شده] استفاده می‌کند.<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup>. ریموند بگسن، جرم‌شناسی نظری، ترجمه‌ی مهدی کی‌نیا، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد، ص ۳۷۳

<sup>۲</sup>. همان، ص ۱۸۷.

<sup>۳</sup>. کاظم، معتمدنژاد، وسایل ارتباط جمعی، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، چاپ هشتم، ۱۳۹۰، ص ۱.

<sup>۴</sup>. باقر، ساروخانی، جامعه‌شناسی ارتباطات، تهران، انتشارات اطلاعات، چاپ بیست و یکم، ۱۳۸۷، ص ۱۹.

برخی را عقیده بر این است که وسایل ارتباط جمعی دارای چنان قدرتی هستند که می‌توانند نسلی تازه برای اولین بار در تاریخ انسان پدید آورند. نسلی که با نسل‌های پیشین بسیار متفاوت است. غرق در فضای ارتباطی جدید آکنده از دانستنی‌های پیچیده‌ای است که حتی به هنگام فراغت از آن متمتع می‌شود. لازار سفلد و مرتون<sup>۱</sup> در تشریح عقاید این عده از متفکران می‌نویسند: (بسیاری تحت تأثیر همه جایی بودن ارتباط جمعی و قدرت بالقوه‌ی آنان به سختی هراسان شده‌اند. در سمپوزیومی، یکی از شرکت کنندگان نوشت: قدرت رادیو را می‌توان با قدرت بمب اتم مقایسه کرد. اینان را عقیده بر این است که وسایل ارتباط جمعی جدید، ابزاری بس نیرومندند که می‌توان از آنان در راه خیر یا شر با تأثیری شگرف سود برگرفت و چنان چه کنترل مطلوب وجود نداشته باشد، امکان استفاده از این وسایل در راه دوم بیشتر است.)<sup>۲</sup>

وسایل ارتباط جمعی در ظرفیت جنایی تأثیر قابل چشم‌گیری دارند و وسایل ارتباط جمعی می‌توانند ظرفیت جنایی را در میان جامعه پایین آورد. به بیان دیگر این وسایل ممکن است در تهذیب اخلاق و پرورشی سجایای نیک و اعتلای سطح دانش و ایجاد سلیقه نو و ایمان پاک و خالص بسیار مؤثر و قوی باشند و بالعکس وسایل ارتباط جمعی می‌توانند ظرفیت جنایی را در میان جامعه بالا ببرند. به عبارت دیگر امکان دارد وسایل ارتباط جمعی از عوامل تأثیرگذار بر انحراف و بدآموزی‌ها و نفاق و دورویی و جدال و جنایت باشد.

رسانه‌های گروهی از طریق نمایش فیلم‌های جنایی تلویزیونی، صفحات حوادث، مطبوعات و رمان‌های پلیسی و جنایی در امر یادگیری و از دیداد جرایم [و بالا رفتن ظرفیت جنایی] تأثیر نامطلوبی دارند چون بسیاری از مجرمین جوان سعی کرده‌اند خود را به جای هنرپیشه‌های فیلم‌های جنایی بگذارند به عبارت ساده‌تر اعمال آن‌ها را تقلید نمایند.<sup>۳</sup>

رسانه‌های جمعی با آرایه‌ی فنون یا رفتار جنایی، با بیدار کردن میل به تجمل و ثروت و با تلقین روش‌های مشکوک برای ارضای اینگونه تمایلات، با رشد روحیه گزاف‌گویی و ماجراجویی و بی‌انضباطی، با تحریک تمایلات جنسی، با برانگیختن جوانان به ایفای نقش جنایی می‌توانند موجب بروز اوضاعی گردند و فنونی آرایه دهند که افرادی را تقریباً بدون آگاهی‌شان، به سوی ارتکاب جنحه یا جنایت سوق دهد [و ظرفیت جنایی را در جامعه بالا ببرند]. رسانه‌های جمعی در بزه کاری و جنایت زنان نقش اصلی یا فرعی دارد، با این که در آنان غریزه جنسی را بیدار می‌سازد، میل به یک زندگی راحت، بی‌بندوباری، ماجراجویی در آنان القا می‌کنند. میل به تجمل و زندگی شکوهمند را در آنان رشد می‌دهند و روش‌های قابل بحث برای دستیابی سهل به

<sup>۱</sup>. Lazarsfeld and Merton

<sup>۲</sup>. لازارسف، به نقل از ساروخانی، ص ۹۷.

<sup>۳</sup>. محمد حسین، فرجاد، آسیب شناسی و کجروی‌های اجتماعی، تهران: قوه‌ی قضاییه، مرکز مطبوعات و انتشارات، ۱۳۷۱، ص ۱۰۳



خواسته‌ها و حصول به مقاصد، از راه تلقین، به آن‌ها تعلیم می‌دهند و عملیات مختلف بزه کاری را با ظرافت تشریح می‌کنند.<sup>۱</sup>

از سال ۱۹۵۵ به این طرف تلویزیون یکی از لوازم خانه به حساب آمده و شواهد محکمی وجود دارد که تأثیری انکارناپذیر بر فرآیند اجتماعی شدن دارد.<sup>۲</sup> تحقیقات اخیر نشان می‌دهد که نوجوانان به طور متوسط در هر روز ۳ تا ۴ ساعت تلویزیون تماشا می‌کنند. تلویزیون برای بینندگان خود تجارب مختلفی را به همراه دارد؛ به بیان دیگر، این امکان را فراهم می‌سازد تا بیننده با دیگر فرهنگ‌ها، کشورها، مذاهب، طبقات اجتماعی، اقتصادی، نژادها یا خانواده‌ها آشنا شود. برخی از مطالعات حاکی از آن است در مناطقی که فرستنده‌های تلویزیونی مستقر شده، آمار جرایم در مقایسه با قبل از آن به طور محسوس بیشتر شده است؛ در ارزیابی ۳ شبکه‌ی اصلی تلویزیون آمریکا معلوم شده است که این شبکه‌ها در برنامه‌های خود در هر هفته ۹۲ مورد حمله با اسلحه‌ی گرم، ۱۱۳ صحنه تجاوز به عنف، ۹ فقره خفه کردن، ۱۶۸ فقره نزاع با مشت و لگد و ۱۷۹ مورد تخلف از قانون را نمایش می‌دهند. از سوی دیگر هر کودک تا رسیدن به ۱۴ سالگی جمعاً ۱۳۰۰۰ مورد قتل و تجاوز را مشاهده می‌کند. از میان رسانه‌های جمعی یا ارتباطات اطلاعاتی جمعی که در جامعه وجود دارد، نقش تلویزیون نسبت به روزنامه‌ها و مجلات و اخیراً اینترنت بیشتر است [و تأثیر آن از سایر رسانه‌های جمعی بر ظرفیت جنایی جامعه بیشتر است]. از جمله علل روی آوری بیشتر به مشاهده‌ی تلویزیون نسبت به دیگر رسانه‌ها وجود جنبه‌های دیداری، سرعت در تصاویر، تنوع در برنامه و موسیقی و رنگ را می‌توان عنوان نمود.<sup>۳</sup> در برخی پژوهش‌ها عنوان شده که ۳ تا ۴ ساعت از وقت مفید روزانه‌ی کودکان و نوجوانان صرف مشاهده‌ی تلویزیون می‌شود و در کشور ما در برخی پژوهش‌ها گفته شده که  $\frac{1}{3}$  وقت فرزندان صرف مشاهده‌ی برنامه‌های تلویزیونی می‌شود.<sup>۴</sup>

از تحقیقات متعدد بر می‌آید که تأثیر فیلم بر روی جوانان و افراد کم‌دانش بیشتر است، حال آن که افراد مسن و دانا و تربیت دیده کمتر در معرض خطر [تأثیرات منفی تلویزیون و] تصاحب عاطفی و هیجانی سینما هستند.<sup>۵</sup> نمایش اعمال خشونت بار، کشتار، جنایت، خون آشامی (دراکولا) و نیز صحنه‌های هیجان‌انگیز در فزونی و تشدید اعمال انحرافی، پدیده‌ی جنایی [و

<sup>۱</sup> ساترلند، به نقل از کی نیا، ص ۱۱۷۲.

<sup>۲</sup> اوری، ۱۹۷۹، به نقل از یمینی و کمرزرین، ۱۳۸۹، ۱۳۸.

<sup>۳</sup> کمرزرین، حمید، روانشناسی رشد، ۲، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ دوم، مهر ۱۳۹۱، ص ۱۳۸، ۱۳۹.

<sup>۴</sup> ماسن و همکاران، به نقل از پیشین، ص ۱۳۹.

<sup>۵</sup> همان، ص ۱۳۹ و ۱۴۰.

<sup>۶</sup> مهدی، کی نیا، پیشین، ص ۵۶۶.

ظرفیت جنایی در جامعه] اثر بسزایی دارد. در سال‌های اخیر، با پیشرفت فرستنده‌های ویدئو تلویزیونی، انواع فیلم‌های سینمایی را برای تلویزیون و ویدئو نیز منطبق ساخته‌اند. اگر در گذشته، تماشاگران فیلم‌های سینمایی به طور نسبی به اختیار خویش فیلم دلخواه خود را (در شهرهای بزرگ) بر می‌گزیند و خانه را به سوی سالن‌های سینمایی ترک می‌کردند، امروز مسئولان و کارگردانان تلویزیون، بدون توجه به اثرات نیک و بد فیلم روی گروه سنی، جامعه جنسی گوناگون، آن‌ها را به همه‌ی خانه‌هایی که درجه‌ی تلویزیون به روی آنان باز می‌شود، صادر می‌کنند.<sup>۱</sup> کمیسیون فدرال ارتباطات آمریکا در فاصله‌ی سال‌های ۱۹۴۵ تا اواسط دهه‌ی ۱۹۵۲ صدور مجوز تأسیس ایستگاه‌های تلویزیونی را متوقف کرد. در این فاصله تنها بعضی نواحی به فرستنده‌های تلویزیونی و در نتیجه برنامه‌های تلویزیون دسترسی داشتند. سپس این ممنوعیت برداشته شد و بسیاری از نواحی دارای فرستنده‌ی تلویزیونی شدند. از این تاریخ به بعد، آمار جنایت در نواحی دارای تلویزیون به شکل چشمگیری بالا رفت. محققان برای این بررسی، آمارهای سازمان FBI (پلیس فدرال) را مورد استفاده قرار دادند.<sup>۲</sup>

متأسفانه تهیه کنندگان تجاری فیلم‌های تلویزیونی و سینمایی به جنبه‌ی آموزشی، تربیتی، مذهبی و اخلاقی فیلم‌ها توجه نداشته فقط برای جلب منافع شخصی، فیلم‌هایی را که هدف تجاری دارند تهیه و به نحو اغراق آمیز در صحنه‌ی فیلم‌ها، پرخاش گری، عصیان، خشونت، قانون‌شکنی، عیاشی و شهوت‌رانی را مجسم می‌نمایند.<sup>۳</sup>

امروزه همه‌ی خانواده‌ها از وسایل ارتباط جمعی استفاده می‌کنند و کمتر خانواده‌ای وجود دارد که از چندین وسایل ارتباط جمعی استفاده نکند. وسایل ارتباط جمعی هر گروهی برای هنجارهای آن گروه تبلیغ می‌کند و هر کشوری به وسیله وسایل ارتباط جمعی خود، هنجارهایش را تبلیغ می‌کند و در پی ارزش‌گذاری هنجارهای خود می‌باشد. امروزه با وجود شبکه‌های ماهواره‌ای و اینترنتی و دوبله‌ی فیلم‌های تلویزیونی هنجارهایی در میان مردم ارزش‌گذاری می‌شوند که با هنجارهای رسمی و غیررسمی سرزمین ما در خلاف است و این خود می‌تواند در به وجود آمدن تضاد فرهنگی دخیل باشد. و طبیعی است که با تبلیغ خلاف هنجارهای رسمی ظرفیت جنایی جامعه بالا می‌رود و جرم و بزه کاری زیاد می‌شود و تضاد فرهنگی ایجاد می‌شود و با تبلیغ موافق هنجارهای رسمی ظرفیت جنایی جامعه پایین آمده و جرم و بزه کاری کم می‌شود و وحدت و یگانگی فرهنگی ایجاد می‌شود پس ممکن است عملی را که رسانه‌های جمعی تبلیغ می‌کنند و آن

<sup>۱</sup>. داور. شیخاوندی، پیشین، ص ۳۹۸

<sup>۲</sup>. هینگان و همکاران، ۱۹۸۲، به نقل از کریمی، ص ۲۰۹.

<sup>۳</sup>. تاج زمان. دانش، پیشین، ص ۲۶۸

را در میان اجتماعات پخش می‌کنند برای کشوری موافق با هنجارهای رسمی‌اش باشد و در پایین آمدن ظرفیت جنایی تأثیرگذار باشد و بالعکس همان تبلیغ رسانه‌های جمعی در کشور دیگری خلاف هنجارها باشد و در بالا بردن ظرفیت جنایی تأثیرگذار باشد.

جرم‌شناسان اتفاق نظر دارند که آموزش جنایی باید [در رسانه‌های جمعی] متوقف شود. روزنامه‌ها از شرح و بسط نحوه ارتکاب جنایت خودداری کنند، دیوان جنایی، صحنه‌ی علنی تشریح ارتکاب جرم به وسیله‌ی خود جنایت‌کاران نگردد. فیلم‌های سینما و تلویزیون در چشم‌اندازی وسیع‌تر رفتار تبه‌کارانه با جزییات و ریزه‌کاری‌های آن را در معرض دید بینندگان نگذارند. میل به ثروتمند شدن از طریق غیر مشروع، مانند دستبردهای شبانه، سرقت‌ها مسلحانه، ربودن جواهر از جواهر فروشی‌ها، نحوه‌ی جیب‌بری، کلاهبرداری... را تحریک و تشویق نکنند، روح تبه‌کاری را نیرووراند، نهال دشمنی در قلوب غرس نکنند، بذرفاق در میان مردم نپاشانند، آدم‌کشی، چاقو کشی، ماجراجویی نیاموزند، فساد و تباهی را عادی، زشت را زیبا، جلوه‌گر نسانند؛ ستایش‌گر شقاوتها، بدی‌ها، ردالت‌ها، خشونت‌ها و سنگلی‌ها، شهوت رانی‌ها، خبیث طینت‌ها، نامردمی‌ها نباشند. در غیر این صورت نه فقط قبح و زشتی این گونه رفتارهای ضد انسانی و ضد اجتماعی از بین می‌رود بلکه میل به قهرمان شدن از راه این قبیل ستایش‌گری و قهرمان‌پروری در هر ناکس دون فطرت و خبیث برانگیخته می‌شود، در نتیجه برای انباشتن جیب فیلم‌سازان، جامعه دچار افسون غیرقابل جبران خواهد شد و کار دادگستری در مبارزه با معلول رونق خواهد گرفت. چرا که بسیاری از جنایت‌کاران جوان، در بسیاری از کشورها، اعتراف کرده‌اند که نحوه‌ی ارتکاب جرم خود را از مطبوعات، خاصه فیلم آموخته‌اند.<sup>۱</sup>

### نتیجه‌گیری

هر فرد یا اجتماعی دارای ظرفیت جنایی خاص خودش است و منظور ما از ظرفیت جنایی، برآورد نرخ جنایی ارتکابی در جامعه آماری خاص در یک منطقه یا ناحیه جغرافیایی در زمان مشخص براساس اعلام نرخ بزه کاری با در نظر گرفتن متغیرهای مشخص است. ظرفیت جنایی دارای خصوصیات مشخص و از پیش تعیین شده و دارای چارچوب خاص که قابل انطباق بر همه‌ی جوامع باشد نیست نظریه ظرفیت جنایی بر مبنای آینده‌نگری بنا شده است و به جرم به عنوان یک واقعیت اجتماعی و انسانی نگاه می‌کند. برآورد نرخ جرم در آینده جهت برنامه‌ریزی برای مبارزه با بزه کاری و تعیین موفقیت‌های جرم‌شناسی و دستگاه عدالت کیفری در برنامه‌های پیش‌گیری از جرم است و هدف ما از به دست آوردن ظرفیت جنایی (برآورد جرم در آینده) پیش‌گیری از جرم و کنترل آن می‌باشد جرم پدیده‌ای اجتماعی است که با تأثیر متقابل علل انسان

<sup>۱</sup>. مهدی، کی‌نیا، پیشین، ص ۱۱۵۷

شناختی، عوام جغرافیایی و جوی و فاکتورهای اجتماعی ارتباط دارد این وضعیت باعث به وجود آمدن حالتی می‌شود که آن را قانون اشباع جنایی نامیده‌اند.

برای اصلاح مجرم باید او را جامع‌پذیر کرد، یعنی آداب اجتماعی و روش‌های زندگی اجتماعی را از طریق نهادهای فرهنگی به شخص آموخت. نهاد، معمولاً بخشی یا نظامی از ارزش‌ها، شیوه‌های قومی، آداب، رسوم و قوانین است، که بر این اساس در یک نهاد آن چه اهمیت دارد، سازماندهی به رفتارها یا روش‌های انجام کارهایی است که در رابطه با نیازمندی‌های مهم مطرح می‌شود. و نهادهای اصلی عبارتند از: خانواده، آموزش و پرورش، وسایل ارتباط جمعی، دانشگاهها و اجتماعات رسمی مانند برگزاری همایش و کنفرانس‌های علمی و پژوهشی.

مهم‌ترین وظیفه و کارکرد خانواده، اجتماعی کردن اولیه افراد و آماده کردن آنان برای پذیرش قواعد زندگی اجتماعی است. اگر خانواده به نحو مؤثری در تربیت نیکوی فرزندان خود همت گمارد، موجبی برای بزهکاری و سیه روزی آنان در آینده باقی نخواهد ماند. اثرات روانی محیط متنسج خانوادگی در دوران اولیه طفولیت و دوران بلوغ با ایجاد انواع اختلالات و بیماریهای روانی ظاهر می‌گردد و آثار این ناراحتی‌ها بعداً در سنین بلوغ و بزرگسالی منجر به ارتکاب جرایم مختلف می‌گردد.

کودکی که از مهر و مراقبت کافی روحی- روانی برخوردار نشود، احساس بی‌کسی و ناامنی می‌کند و برای جبران دغدغه‌های خود با جامعه در می‌افتد و به بزه کاری می‌گراید. از دست دادن یکی از اعضای خانواده تأثیر عظیم و عمیق در بزه کاری کودکان آن خانواده دارد، چون سبب ایجاد اضطراب و نگرانی و تشویش خاطر فرزندان می‌شود و در آینده موجب ناسازگاری در انطباق اجتماعی می‌گردد. بزهکار بودن والدین و داشتن فساد اخلاقی آن‌ها تأثیر به‌سزایی بر بزه کاری و جرم‌گرایی فرزندانشان دارد. پس خانواده نه تنها نهادی است که کودک را در دوران قبل از بلوغ جسمانی حمایت می‌کند، بلکه نهادی است که نخستین فرصت‌های اجتماعی شدن و آموزش و پرورش را برای او فراهم می‌کند. و بنیادی‌ترین بخش جامعه‌پذیری در دوران کودکی در خانواده رخ می‌دهد. و هرچه این روحیه‌ی جامعه‌پذیری پرننگتر و قوی‌تر باشد، به همان اندازه ظرفیت جنایی و بزه کاری فرد پایین می‌آید و برعکس.

تأثیرات آموزش و پرورش و ناسازگاری با مدرسه ممکن است عامل رفتارهای ضد اجتماعی بعدی شود. زیرا شکست‌های آموزشی و عدم پیشرفت تحصیلی سبب بروز ناهنجاری‌های روحی- روانی و بزه کاری شخص می‌گردد.

رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی به نوبه خود می‌توانند نقش مهمی را در اصلاح فکر و اندیشه انسان‌ها ایفا نمایند و از وقوع جرم و بزه جلوگیری کنند و آمار بزه کاری را پائین بیاورند. رسانه‌ها در پرورش و یا انحراف افکار عمومی نقش مهمی دارند. یک روزنامه نگار یا گوینده

رادیو یا تلویزیون می‌تواند با توصیف حادثه یا اتفاق آن را چنان جلوه دهد که موجب ایجاد آرامش و اطمینان در مردم گردد و یا سبب ایجاد بحران و چالش روحی- روانی گردد و افراد را به واکنش‌های تند و احساسی وا دارد. و انحرافات فکری و اخلاقی را در آن‌ها بوجود آورد.

فیلم‌ها نیز چنین تاثیراتی را می‌توانند داشته باشند، فیلم‌های عشقی و صحنه‌های جنسی تندترین پاسخ‌ها را در رفتار جوانان خواهد داشت. فیلم‌های وحشتناک و خشونت آمیز نیز رفتارهای فیزیکی و هیجان انگیز را در جوانان افزایش می‌دهد و جوانان این احساسات جنسی، عشقی، خشونت آمیز و هیجان انگیز را در محیط بیرون ابراز می‌دارند و به ظهور می‌رسانند، که سبب ایجاد برخورد و درگیری با اجتماع و جامعه می‌شود و گرایش به بزه کاری در این جوانان رشد می‌کند.

هر فرهنگی، ارزش‌های خاص خود را دارد؛ هنجارها قواعدی برای رفتارند که ارزش‌های یک فرهنگ را منعکس می‌کنند، ارزش‌ها و هنجارها به عنوان مؤلفه‌های فرهنگی در کنار یکدیگر، چگونگی رفتار اعضای یک فرهنگ در محیط اجتماعیشان را شکل می‌دهند. قوانین دولتی همان هنجارهای مورد پذیرش فرهنگ اکثریت جامعه‌اند؛ پس می‌توان گفت، عمل افرادی جرم تلقی می‌شود که خلاف آن مؤلفه‌های فرهنگی عمل کنند. مؤلفه‌های فرهنگی به وسیله نهادهای فرهنگی از همان دوران کودکی به افراد جامعه آموزش داده می‌شوند. این تحقیق نقش عامل فرهنگ در الگوی ظرفیت جنایی را مورد بررسی قرار می‌دهد. عوامل دخیل در پدیده جنایی و ظرفیت جنایی نمی‌تواند فقط یک عامل مثلاً فقر باشد. دانشمندان مکتب تحقیقی و جناب دکتر کی نیا بر این عقیده بودند که جرم نظیر دیگر افعال انسانی معلول چندین عامل است که در اکثر مواقع به صورت شبکه‌ای جدایی ناپذیر در هم تنیده شده‌اند. عوامل به وجود آورنده پدیده جنایی عبارتند از عوامل خانوادگی، عوامل اجتماعی و عوامل جوی، جغرافیایی که فرهنگ را این دانشمندان جزء عوامل اجتماعی دانسته‌اند پس باید تمامی این عوامل در افراد جامعه تأثیر منفی داشته باشند تا ظرفیت جنایی بالا برود. به عبارت دیگر باید این سه عامل دست به دست هم بدهند تا در میان افراد جامعه پدیده جنایی به وقوع بپیوندد. البته این بدین معنا نمی‌باشد که با وجود این سه عوامل جرم‌زا به صورت اجباری افراد جامعه مرتکب جرم شوند؛ چه بسیار افرادی بوده‌اند که با وجود شرایط بد خانوادگی، اجتماعی و جوی جغرافیایی به خاطر اعتقادات و یا پایبندی به اخلاق انسانی مرتکب جرم نشده‌اند و از آن دوری کرده‌اند.

با توجه به آن چه که در این تحقیق شرح داده شده است می‌توان گفت که اگر در میان جامعه مشکلات خانوادگی، اجتماعی و جوی جغرافیایی زیاد باشد و جامعه دارای ظرفیت جنایی بالایی باشد نهادهای فرهنگی می‌توانند با تأثیر منفی بر تربیت افراد در آموزش مؤلفه‌های فرهنگی مانند باد موافقی عمل کرده و باعث بالاتر رفتن ظرفیت جنایی در جامعه شوند. البته باید یادآور شد که با وجود مشکلات ذکر شده در جامعه، نهادهای فرهنگی با آموزش صحیح و نهادینه کردن مؤلفه‌های فرهنگی می‌توانند با تأثیرات مثبت در پایین آمدن ظرفیت جنایی در جامعه تأثیرگذار باشند.

فرهنگ

و

ظرفیت

جنایی.....

۱۸۸

پس به این نتیجه‌ی کلی می‌رسیم این فرضیه‌ای که فرهنگ را به عنوان یک عامل تأثیرگذار در پایین آمدن یا بالارفتن ظرفیت جنایی دخیل می‌دانند صحیح و قابل قبول می‌باشد و شاخصه‌های کمی و کیفی عامل فرهنگ در تعیین الگوی ظرفیت جنایی نقش قابل توجهی دارند.

## منابع و ماخذ

۱. آزاد ارمکی، تقی. (۱۳۹۰). جامعه‌شناسی خانواده‌ی ایرانی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی، دانشگاه‌ها، سمت، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، چاپ سوم.
۲. آگ برن و نیم کوف. (۱۳۸۸). زمینه‌ی جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی امیر حسین آریان پور، تهران: نشر گستره، چاپ دوم.
۳. بخارایی، احمد. (فروردین ۱۳۹۱). جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ سوم.
۴. جلالی مقدم، مسعود. (۱۳۸۵). فرهنگ چیست، تهران: مؤسسه انتشارات امیر کبیر، چاپ اول.
۵. جهانیان، رمضان. (۱۳۸۷). مدیریت آموزشی و آموزشگاهی با تأکید بر دانش و مهارت‌های مورد نیاز، انتشارات سرافراز، چاپ اول.
۶. حسنی، محمد (۱۳۹۲)، بررسی ظرفیت جنایی در جرم‌شناسی کاربردی و ارتباط آن با پیشگیری قبل از وقوع، سازمان قضایی نیروهای مسلح، نسخه الکترونیکی؛ [www.imj.ir](http://www.imj.ir)
۷. دانش، تاج‌زمان. (پاییز ۱۳۶۶). مجرم کیست و جرم‌شناسی چیست، تهران: انتشارات کیهان، چاپ اول.
۸. دهخدا، علی اکبر. (۱۳۶۵). لغت‌نامه‌ی دهخدا، ناشر، مؤسسه‌ی لغت‌نامه‌ی دهخدا، جلد ۳۳.
۹. روسک، جوزف. و وارن، رولند. ۱۳۵۰. مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی بهروز نبوی و احمد کریمی، تهران: چاپ میهن.
۱۰. ستوده، هدایت‌الله. (۱۳۸۹). آسیب‌شناسی اجتماعی، تهران: آوای نور، چاپ بیست و یکم.
۱۱. ستوده، هدایت‌الله. و سرابی، علی بقایی. ۱۳۸۷. جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، تهران: انتشارات ندای آریانا، چاپ اول.

## فرهنگ

و

## ظرفیت

جنایی.....

۱۹۰

۱۲. شیخاوندی، داور. (۱۳۸۴). جامعه‌شناسی و انحرافات و مسایل جامعه‌ی ایران، تهران: نشر قطره، چاپ اول.

۱۳. شیر سوار شهاوند، محسن. (زمستان ۱۳۹۰). بررسی ظرفیت جنایی در جرم‌شناسی، پایان‌نامه‌ی دوره‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات کرمانشاه.

۱۴. فرجاد، محمد حسین. (۱۳۸۳). آسیب‌شناسی و کجروی‌های اجتماعی، تهران: قوه‌ی قضاییه، مرکز مطبوعات و انتشارات، چاپ اول.

۱۵. فری، انریکو. (۱۳۸۹). جرم‌شناسی اثبات‌گرا، ترجمه‌ی میر روح الله صدیق، ایلام: انتشارات رامن، چاپ اول.

۱۶. قائمی، علی. (۱۳۶۶). آسیب‌ها و عوارض اجتماعی، تهران: انتشارات امیری، چاپ دوم، ۱۳۶۶.

۱۷. کونن، بروس. (۱۳۹۱). مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه و اقتباس غلام عباس توسلی، رضا فاضل‌تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی، دانشگاه‌ها، (سمت) مرکز تحقیق و توسعه‌ی علوم انسانی، چاپ بیست و چهارم.

۱۸. کی‌نیا، مهدی. (۱۳۸۸). مبانی جرم‌شناسی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران: چاپ نهم، جلد اول.

۱۹. کی‌نیا، مهدی. (۱۳۸۸). مبانی جرم‌شناسی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران: چاپ نهم، جلد دوم.

۲۰. گسن، ریموند. (اسفند ۱۳۸۸). جرم‌شناسی نظری، ترجمه‌ی مهدی کی‌نیا، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد، چاپ چهارم.

۲۱. خاتمی، محمد (۱۳۸۳)، آموزش و پرورش؛ اصلاح ساختارها، تغییر نگرش‌ها، تهران، موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران، ص ۲۹

۲۲. محسنی تیریزی، علی‌رضا. (تابستان ۱۳۸۳). رندالیسم، تهران: چاپ آثار، چاپ اول.

۲۳. نیت، ویلیام جی. (بهار ۱۳۸۱). شاخص‌های فرهنگی در ایالات متحده‌ی آمریکا در پایان قرن بیستم، ترجمه‌ی فاطمه فراهانی تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، چاپ اول.



فرهنگ

و

ظرفیت

جنایی.....

۱۹۱

۲۴. نفیسی، علی اکبر. (۱۳۴۳). فرهنگ نفیسی، تهران: انتشارات کتاب فروشی بهنام، جلد ۳، ص ۲۲۷۵.

۲۵. نوربخش، سید مرتضی. (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی عمومی، تهران: انتشارات بهینه، چاپ سوم.

۲۶. ولد، جورج. و [دیگران]. پاییز ۱۳۸۸. جرم‌شناسی نظری، ترجمه‌ی علی شجاعی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) مرکز تحقیق و توسعه‌ی علوم انسانی، چاپ سوم.

۲۷. ساروخانی، باقر، جامعه‌شناسی ارتباطات، (تهران، انتشارات اطلاعات، چاپ بیست و یکم، ۱۳۸۷)

۲۸. انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، جلد ۶، چاپ ۱۳۸۰

۲۹. کمرزین، حمید، روانشناسی رشد ۲، (تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ دوم، مهر ۱۳۹۱)

۳۰. معتمدنژاد، کاظم، وسایل ارتباط جمعی، (تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، چاپ هشتم، ۱۳۹۰)

